



پرونده ابن ملجم روی میز «بازجویی»

امیر امیری، از نمایشنامه خوانی نمایشنامه «بازجویی» که واکاوی درباره زندگی ابن ملجم مرادی است در شب‌های قدر در فضای مجازی خبر داد. این نویسنده و کارگردان تئاتر ضمن اعلام این اجرا در شب‌های ۱۸ تا ۲۳ رمضان در پی تعطیلی سالن‌های تئاتر به علت کرونا به مهر اظهار کرد: قصد داریم در ایام شب‌های قدر یک کار غیرمعمول انجام دهیم و نمایشنامه «بازجویی» را در فضای کلاب هاوس اجرا کنیم.



برگزاری نمایشگاه مجازی «لیل‌ه‌القدر»

نمایشگاه مجازی «لیل‌ه‌القدر» به مناسبت شب‌های قدر در وبگاه فرهنگستان هنر به نمایش درآمده است. به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر فلسطین، نمایشگاه مجازی خوشنویسی و نقاشی خط استاد علی تن با عنوان «لیل‌ه‌القدر» همزمان با فرا رسیدن شب‌های قدر در وبگاه فرهنگستان هنر به نمایش گذاشته شد.

مناجات خوانی در قلب تهران

مروری کوتاه بر تاریخچه مناجات خوانی از دیروز تا امروز



علیرضا پورمشیر

نویسنده

مناجات خوانی، از قدیم، به شکل شب‌زنده‌داری، در مساجد تهران از یکی دو ساعت مانده به اذان صبح انجام می‌شده و هنوز هم این سنت حسنه، در مشهد مقدس یا حرم حضرت معصومه (س) انجام می‌شود و نغمه دلنشین مناجات خوانان، مردم را برای اقامه نماز صبح آماده می‌کند. این رسم زیبا، در تهران نیز سابقه طولانی دارد. در دل کوچه پس‌کوچه‌های تهران قدیم، در محله‌هایی که امروز بوی تاریخ می‌دهد، مناجات خوانی ریشه‌ای مستحکم دارد. تاریخ، روایت می‌کند که مناجات خوانی، در کشورمان، به گذشته‌های دور برمی‌گردد و شاید نتوانیم تاریخ دقیقی از برگزاری اولین محفل و نام بردن از نخستین مناجات‌خوان را در صفحه‌های تقویم پیدا کنیم.

خیلی دور، خیلی نزدیک



آیت... شاه‌آبادی



شیخ محمدحسین زاهد

در زمان معاصر اما، نقل شده که آیت... شاه‌آبادی بزرگ، استاد حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) در مسجدی که نماز می‌خواندند، مقید بودند که شب‌های جمعه دعای کمیل قرائت کنند. این عارف بزرگ خودش دعا را می‌خواند و مردم بانوای مناجاتش روح تازه می‌کردند. چراغ دعای کمیل آیت... شاه‌آبادی مدتی در مسجد جامع بازار و مدتی در مسجد امین‌الدوله روشن بود.

مدتی بعد، نوبت به شیخ محمدحسین زاهد رسید تا در مسجد امین‌الدوله یک بار دیگر نغمه مناجات خوانی را به آسمان برساند. مرحوم زاهد، در خواندن ادعیه وارده از ائمه معصومین (ع) بسیار توانا بود و صدای گیرایی داشت و در تمام ماه رمضان، مجالس دعا و احیا برگزار می‌کرد. بسیاری از مومنین، خودشان را از راه‌های دور و نزدیک، به مسجد امین‌الدوله می‌رساند تا از مجالس این روحانی صاحب نفوس، استفاده کنند.

در ماه رمضان هر ۳۰ شب، احیا داشت. می‌توان گفت در آن زمان، مسجد امین‌الدوله، تنها مسجدی بود که همه ۳۰ شب، شب‌زنده‌داری داشت تا جایی که به مسجد شب‌زنده‌داران معروف شد. هنوز هم وقتی با ریش سفیدها صحبت به میان می‌آید، از شور و حال خاص و وصف‌ناپذیر آن جلسه، آن طور صحبت می‌کنند که دلت می‌خواهد برگردی به آن زمان.

نسل دیگر مناجات خوانان

از دل همین مجالس قدیمی بود که نسل تازه مناجات خوانان تربیت شدند و این روزها، نغمه مناجات‌شان، در دل محله‌های تهران قدیم به گوش می‌رسد. مناجات خوانی، در همان نقطه‌ای که در شهر شکل گرفت، به اوج رسید. در محله‌هایی که حالا در تقسیم‌بندی‌های شهری، به منطقه ۱۲ مشهور شده‌اند. یکی از اصلی‌ترین این پایگاه‌ها، مسجد ارک تهران است. ناگفته نماند که مادحین و اهالی مناجات، این شب‌ها نیز، در جای جای تهران، با تشکیل محافل مناجات و روضه، این امر مهم را در سراسر تهران نیز انجام می‌دهند تا همه بتوانند زیر آسمان آبی خدا، با پروردگارش مناجات کنند. اما همان‌طور که گفته شد، مرکز اصلی این اتفاق، محله‌های باصفا و قدیمی منطقه ۱۲ شهرداری است.

فرکانس مناجات

در زمانی که خبری از رسانه‌های دیجیتال نبود، رادیو حرف اول را می‌زد. هر برنامه‌ای که از رادیو پخش می‌شد، خیلی زود به گوش مردم می‌رسید. مناجات خوانی در رادیو در یک سیستم زمان‌بندی و طبقه‌بندی شده قرار داشت و افراد خاص و مورد اطمینان، مناجات می‌خواندند. در آن سال‌ها، مرحوم سیدجواد ذبیحی مرد شماره یک مناجات خوانی در رادیو بود و بعد هم مرحوم حاج علی بهاری بود که روی موج مناجات دل‌ها را به آسمان می‌برد. در سال‌های اخیر، تلویزیون، با برنامه‌های خود، پیش‌تاز این امر شده و روزه‌داران را ملزم کرده تا سفره‌هایشان را جلوی برنامه‌هایش ببندازند و باید بگوییم که سعی کرده از اماکن مختلف مذهبی و برای هرسلیقه‌ای، در این مدت، برنامه‌ای متفاوت تولید کند. کمی آن‌طرف‌تر و با گسترش فضای مجازی، نرم‌افزارهای گوناگون هم به تولید و برنامه‌سازی پرداخته‌اند که در روزگار ما، این اتفاق هم نباید نادیده گرفته شود.

مرد مناجات خوان مهربان

مجالس شیخ محمدحسین زاهد، شیفتگان بسیاری داشت. افرادی که بعدها خودشان هم این پرچم را به دوش گرفتند. حاج‌سیدعلی‌آقای میرهادی یکی از همین افراد بود که مناجات خوانی را از همان مسجد امین‌الدوله آغاز کرد. میرهادی در دهه دوم ماه صفر در مسجد امین‌الدوله زیارت عاشورا می‌خواند. روز عرفه نیز، برای برگزاری دعای عرفه جای مشخصی نداشت، ولی اصولاً در شب‌های ماه مبارک رمضان دعای ابوحمزه ثمالی، جوشن کبیر و دعای افتتاح را در مسجد زمزمه می‌کرد. مرحوم سیدعلی میرهادی دعای ابوحمزه ثمالی را با معنی می‌خواند؛ به طوری که خواندن این دعا یک هفته طول می‌کشید. آقاسیدعلی‌آقا که مزارش در امامزاده عباد... شهرری است، از خود، تنها چند عکس به یادگار گذاشته و صوت مناجات‌های او در دسترس نیست. تنها می‌توان به خاطرات آن روزها رجوع کرد و تعریف‌های آنچنانی از مجالسی که برگزار می‌کرده که همه و همه‌اش، از خلوص نیت، بزرگی و اهل دل بودن او، نشات می‌گرفته.

حاج منصور ارضی که از مجالس دعای کمیل عمویش حاج حسن ارضی راه و رسم مناجات را آموخت، این شب‌ها، چراغ مسجد ارک را روشن می‌کرد، دعای افتتاح، ابوحمزه ثمالی، جوشن صغیر، مجبر و دعای کمیل. همچنین شب‌های جمعه را در حرم سیدالکریم به خواندن دعای کمیل اختصاص داده که سال‌هاست اهالی روضه و مناجات، شب‌های خود را پای منبر او سپری می‌کنند. هرکدام از این مناجات‌ها، در شب‌های خاصی از این ماه خوانده می‌شود و مردم تا نیمه‌های شب، تا چند قدمی سحر در خیابان‌های اطراف مسجد می‌نشینند و دست دعا و چشم امیدشان به آسمان است. حاج‌ماشاء... عابدی، یکی دیگر از مناجاتیان شناخته‌شده عصر ماست. او که خود معلمی متواضع و خطیبی پرانانش است، تربیت یافته مکتب سیدعلی میرهادی، مناجات‌خوان برجسته مسجد امین‌الدوله تهران است و مجلس او در مسجد شهدا نیز، ادامه دعاخوانی میرهادی در مسجد قدیمی‌اش در حوالی چهارراه مولوی به شمار می‌رود.

حاج مهدی سماواتی نیز در مسجد شهدا و حسینیه مرحوم آیت... حق شناس،



حاج‌رضا بکایی در مسجد امام حسین و حاج‌علی قربانی در حسینیه عشاق‌الحسین، از دیگر پرچمداران مناجات خوانی در مرکز شهر هستند. گرچه شیوه برگزاری این نوع محافل، در عصر ما، با گذشته کمی تفاوت کرده و حالا مناجات با روضه تنیده شده است، اما مردم، اشکی که برای سیدالشهدا می‌ریزند را روی دست گرفته و الهی العفو می‌گویند. گویی روزه بی‌روضه و اشک بدون ذکر نام و یاد سیدالشهدا، برایمان معنایی ندارد. که امام‌رضا (علیه‌السلام) فرمودند: ای پسر شبیب! اگر خواستی بر چیزی گریه کنی، مصائب جد غریب حسین را به یاد بیاور و با روضه او گریه کن.

شکسته‌اش دعایی می‌کند و برای فرزندان و خدا را چه دیدی، برای همسایگانش طلب «خیر» می‌کنند... تنها و تنها اهل کوثر، می‌دانند که «کل الخیر» تنها و تنها «فی باب الحسین»...

لیل‌ه‌القدر، از جنس کوثر است و هیچ‌گاه تکیه‌اش به ثانیه‌های ابتر نیست. همان خیر کثیری که تا نفس و آپسین، کوثری‌ها را به کر بلا فرامی‌خواند.

کر بلا محراب خوینی‌ست که برای آخرالزمانی‌ها به شکل اربعین، ظهور کرده و لیل‌ه‌القبری‌ها را و تکاثری‌ها را مقهور «وترالموتور» خواسته...

وعده خدای کوثری‌ها قطعی است! انتقام، بشارت و انذار درهم‌تنیده غیرت خداوند است.

غیرت، گریبان من و تو را رها نمی‌کند؛ «های تو که در انتقام شهدای دور و برت سست و بی‌تعصبی، چگونه لاف از انتقام خون سیدالشهدا (ع) می‌زنی؟! راست می‌گویی غیرت کوثری‌ها...»



کم‌ما را زیاد کرده بتول

مادری بر عماد! کرده بتول کوثر، آموزگار خوش‌عهدی‌ست

یکی از نسل او «ابومهدی» است جیهه در جیهه، نور پیشانی‌ست

مادر «قاسم سلیمانی» است...

به من و تو آموخته‌اند که هر جا گریه سنگین به کار داریم دست به دامن «مادر» باشیم؛ دعای مادر، گواه عجز صادقانه ما و نگاهش پناه اضطرار فرزندان است... و ولایت، غالباً

با اضطرار آغاز می‌شود.

«من و تو چه می‌دانیم که شب قدر چیست؟! شاید شب قدر، همان لحظه مبارکی باشد که «مادر» دست شکسته‌اش را به سمت آسمان بالا می‌برد و با دل

تقابل لیل‌ه‌القدری‌ها و لیل‌ه‌القبری‌ها!

راستی! به نظرتان حاج‌قاسم در شب‌های قدر کدام حاجت را سر دست می‌گرفت؟

وزن معرفت‌مان به سبب حاجت‌هایمان بروز پیدا می‌کند... مقدرات را من و تو می‌نویسیم! کی؟ همان لحظه‌ای که در میان انبوه حاجات، چندتایی را به عنوان اصلی‌ترین‌ها انتخاب می‌کنیم. حاجات، وزن مناجات را نشان می‌دهند. راستی! به نظرتان حاج‌قاسم در شب‌های قدر کدام حاجت را سر دست می‌گرفت و...؟

مزار سیدالشهدا قلب عشاق اوست. خودشان فرمودند. حاجات را باید کنار مزار او برد که از هرجایی به استجابت نزدیک‌تر است. ذات همه اتفاقات، قلب است و قلب، پایتخت انقلاب‌های عاشقانه... قلب رجال مبارک، آبادی سیدالشهدا است و ربط و بسطش با «ام‌القری» معلوم است.

شهدا در تماشای وجه... در این معنا حل شده‌اند که شب قدر، مادر عاشورا است. جز آنجا که اهل میدان است صحبت از مادر شهدای است

در این سیاره رنج، بعضی‌ها «رجال مبارک» هستند؛ یعنی آن‌قدر حماسی‌اند که به واسطه آنان، حیات می‌جوشد و زندگی جریان پیدا می‌کند... آنان آبادی‌های عالمند. معصوم فرمود: «نحن القُری...»

در نمادشناسی وحی، آب، سرمایه اولیه حیات و آبادی‌هاست و در همین منطق معرفتی، آب، اشاره‌ای رمزآلود به «کوثر» است...

بی‌سبب نیست که فاطمه را «أم القُری» و «أم الشهداء» و «ام‌الکتاب» خوانده‌اند و «مبارکه». در این تجلی، «شهادت»، کشته شدن نیست بلکه گواهی دادن «رجال مبارک» به حقانیت «ولایت» است آن هم در هیاهوهای سیاست‌زدگان سیاره رنج!

خدای من و تو در این ماه، که شهر ولایت است، شبی را ترازوی سنجش من و تو قرار داده است؛ من و تو همان قدر می‌ارزیم که در چنین شب فرخنده‌ای،



احمد بابایی

شاعر آیینی

از
شده

باید
گونه
ت دهد
انگاه
زندگی

کنم
برین و

کریم و
دعا،
کمت،
است.
حیفه

تغییر

گشاو